

بررسی جرم خیانت در امانت و عناصر متشکله آن

علی رخشانی نژاد

دانشجوی کارشناسی رشته ی حقوق، سیستان و بلوچستان، زاهدان

rakhshanaliali703@gmail.com

چکیده:

جرم خیانت در امانت از جرائم علیه اموال محسوب میشود، مراد از جرائم علیه اموال این است که مال موضوع جرم متعلق به شخص دیگر باشد و خیانت در امانت از این شرط مستثنا نخواهد بود و آن دسته از اموال که در نگاه شرع و یا از نظر عرف مالیت ندارد را نباید مشمول این جرم دانست. در جرم خیانت در امانت همانند کلاهبرداری شخص قربانی مال را با میل و رضایت خود در اختیار مرتکب قرار میدهد و برخلاف کلاهبرداری نفع مرتکب یا شخص مورد نظر آن شرط نیست. قانونگذار در ماده ۶۷۴ تعزیرات خود را از محدوده عقود خارج کرده و سپرده شدن مال برای هر کار با اجرت یا بی اجرت را مبنای تحقق این جرم میدانند. با توجه با این که قانونگذار از جرم خیانت در امانت تعریفی ارائه نکرده است، به لحاظ تقسیم بندی جرایم با ملاحظه زمان وقوع و نوع رفتار مرتکب، خیانت در امانت جرم آنی است؛ یعنی به محض استعمال، تصاحب، تلف و مفقود نمودن مال سپرده شده تحقق خواهد یافت. شرایط لازم برای تحقق این جرم و عناصر آن از اهمیت بالایی برخوردار بوده که در این تحقیق به آن پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: خیانت در امانت، سپرده شدن، ضرر

مقدمه:

امانت و امانتداری در اسلام اهمیت ویژه ای دارد و نشانه ایمان و تقوای انسان است، در صورتی که خیانت در امانت، نشان بی دینی و فسق آدمی است. خیانت در امانت در زمره جرایم علیه اموال و مالکیت محسوب می شود و شباهت آن با برخی جرایم دیگر در مقام تطبیق عنوان مجرمانه گاه قضا و کارشناسان حقوقی را با اختلاف نظر مواجه می نماید. در حقوق روم جرم خیانت در امانت تحت عنوان فرتوم قابل مجازات بوده است. فرتوم عنوان بزه عام و کلی بوده که شامل سرقت، کلاهبرداری و خیانت در امانت در مفاهیم امروزی آن می شد و عبارت بود از تصاحب یا تصرف مال متعلق به غیر اعم از اینکه شئی مورد تصرف، توسط خود مالک یا متصرف به بزهکار تسلیم میگردد یا اینکه شخصا آن را بدست می آورد. به مرور زمان در قوانین کشورهای مختلف از جمله کشورهای اروپایی مثل فرانسه، بلژیک، سوئیس، این جرم که مشتمل بر سوء استفاده از اعتماد دیگری است از جرم سرقت که عبارت از ربایش مال غیر، بدون رضایت و آگاهی وی می باشد و از کلاهبرداری و نیز از سایر جرایم علیه اموال تفکیک شد. البته این تفکیک در همه نظامهای حقوقی مشاهده نمیگردد. برای مثال در حقوق انگلیس جرم مستقلی تحت عنوان خیانت در امانت وجود ندارد و هرگونه تصاحب مال متعلق به دیگری اعم از اینکه آن مال به مجرم سپرده شده و یا وی آنرا ربوده باشد تحت عنوان سرقت قابل تعقیب باشد. بنابراین از نظر حقوق انگلیس تصاحب اتومبیلی که توسط یک شرکت کرایه اتومبیل به شخص سپرده شده است درست همانند ربایش پنهانی آن، سرقت محسوب میگردد. و در حقوق ایران در قبل از انقلاب در ماده ۲۴۲ عنصر قانونی جرم خیانت در امانت را تعریف نموده و این ماده در سال ۱۳۶۲ و سال ۱۳۷۵ دچار تغییرات اساسی شده است.

مبحث اول:

مفهوم جرم خیانت در امانت:

- امانت، واژه ای است عربی و در فارسی به معانی متعددی به کار رفته است:
- امانت یعنی هر چیزی را که برای نگه داشتن به کسی بسپارند؛
 - امانت یعنی راستی، درستی و ضد آن خیانت است؛
 - امانت یعنی تکالیفی که خداوند برای خلق تعیین کرده است؛ از عبادات و طاعات. فرهنگ معین، ج ۲، ص ۶۴۲.

خیانت، در لغت معادل واژه (غدر) به معنای بی وفایی، بدعهدی، ناراستی، خیانت در عهد، پیمان شکنی، دغل کاری، بی عصمتی، زناکاری، حق ناشناسی، تقلب، غش، افراط و سوء استفاده آمده است؛ (الیاس انطون، ص ۲۰۴). همچنین در برابر آن، معانی نمک به حرامی، بی دیانتی و دزدی به کار رفته است. (دهخدا، ج ۳) در مقابل، امانت در لغت به معنای درستی، راستی، وفاداری، ایفای عهد، اعتماد و اطمینان، دیانت، صداقت، اخلاص، ایمان داری، خاطر جمعی، قرار دادن و به جا آوردن مقتضای عدالت در اوقات معین آن، که از صفات خداوند است، ضد خیانت و در اصطلاح مفسران، تکالیفی است که خدای تعالی بر خلق تعیین کرده است

2

تعریف جرم خیانت در امانت:

قانونگذار تعریفی از بزه خیانت در امانت بعمل نیاورده لیکن به نظر برخی از حقوقدانان (خیانت در امانت رفتار مجرمانه و مخالف امانت است نسبت به مال منقول که به موجب هرامی و یا عقدی از عقود امانت آور سپرده به مجرم و یا در حکم آن باشد) دکتر میرمحمد صادقی این چنین می نویسد: خیانت در امانت عبارت است از استعمال، تصاحب، تلف یا مفقود نمودن توأم با سوء نیت مالی که از طرف مالک یا متصرف قانونی به کسی سپرده شده و بنابر استرداد یا به مصرف معین رسانیدن آن بوده است. با توجه به ماده ۶۷۴ ق.م.ا، خیانت در امانت عبارت است از: (فعل مثبت امین به یکی از صور مذکور در قانون، در اموال یا اسناد و نوشته جات امانی به ضرر مالک یا متصرف) تأکید بر فعل مثبت به آن اعتبار است که مصادیق رفتار خائن که در قانون آمده است ظهور در فعل مثبت مادی داشته و ترک فعل، در صورتی که توأم با سوء نیت باشد تشکیل دهنده آن است.

مقایسه جرم خیانت در امانت و کلاهبرداری:

- ۱: در خیانت در امانت، بدون اینکه وسایل متقلبانه ای از سوی امین صورت بگیرد قربانی مال را با رضایت خود در اختیار امین قرار می دهد، ولی در کلاهبرداری، پس از توسل به وسایل متقلبانه از سوی کلاهبردار قربانی با میل و رضایت خود مال را به کلاهبردار می دهد.
- ۲: در خیانت در امانت، مجرم بعد از به دست آوردن مال از سوی قربانی، عملیات مجرمانه خود را مرتکب می شود، ولی در کلاهبرداری، مجرم عملیات مجرمانه را قبل از تسلیم مال مرتکب می شود.
- ۳: در خیانت در امانت، ممکن است مجرم از نتیجه عملیات متقلبانه خود منتفع نگردد، ولی در کلاهبرداری، مجرم از عملیات خود منتفع میگردد.

__ هرگاه مجرم، از روی سوء نیت با مانور های متقلبانه خود را نزد قربانی، شخص امین جلوه دهد و باعث شود قربانی مال خود را به تصور امین بودن مجرم در اختیار وی قرار دهد این رفتار به دلیل صحنه سازی جهت اخذ مال خیانت در امانت نبوده بلکه کلاهبرداری می باشد.

__ با توجه به تفاوتی که بین دو جرم کلاهبرداری و خیانت در امانت از نظر عنصر حیله و تقلب وجود دارد، عمل واحد نمی تواند واجد هر دو عنوان خیانت در امانت و کلاهبرداری باشد.

__ عمل واحد ممکن است نسبت به یک نفر خیانت در امانت و نسبت به نفر دیگر کلاهبرداری محسوب شود. به عنوان مثال: شخص (الف) اتومبیل شخص (ب) را امانت می گیرد؛ سپس با توسل به وسایل متقلبانه شخص (ج) را فریب داده و خودرو را به قیمت بالایی به وی می فروشد بنابراین شخص (الف) نسبت به شخص (ب) مرتکب جرم خیانت در امانت و نسبت به شخص (ج) مرتکب جرم کلاهبرداری شده است.

__ با توجه به این که مرور زمان در جرائم تعزیرات غیر منصوص شرعی، اعمال می شود پس خیانت در امانت نیز مشمول مرور زمان خواهد بود. در جرم کلاهبرداری چنانچه موضوع جرم بیشتر از ۱ میلیارد ریال باشد مشمول مرور زمان نخواهد بود. و تا ۱ میلیارد و کمتر از آن مشمول مرور زمان خواهد شد.

مبحث دوم: عناصر تشکیل دهنده جرم خیانت در امانت

گفتار اول: عنصر قانونی جرم خیانت در امانت

قانونگذار در ماده ۶۷۴ قانون تعزیرات، به جرم انگاری خیانت در امانت پرداخته و برای آن مجازات تعیین کرده است. ماده ۶۷۴ قانون تعزیرات: هر گاه اموال منقول یا غیر منقول یا نوشته هایی از قبیل سفته و چک و قبض و نظایر آن به عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کار با اجرت یا بی اجرت به کسی داده شده و بنا بر این بوده است که اشیاء مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آنها را به ضرر مالکین یا متصرفین آنها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

گفتار دوم: عنصر مادی جرم خیانت در امانت

اجزای عنصر مادی جرم خیانت در امانت

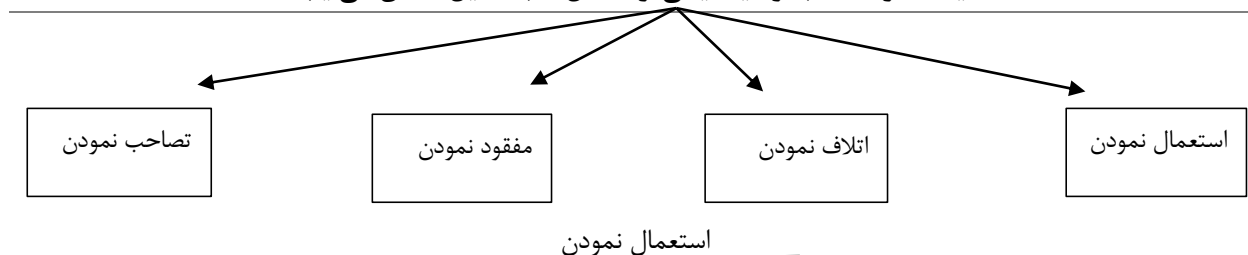
رفتار فیزیکی؛

مجموع شرایط و اوضاع و احوالی که وجود یا فقدان آن ها از نظر قانونی شرط تحقق جرم می باشد؛

نتیجه حاصله از رفتار متهم؛

بند اول: رفتار فیزیکی در جرم خیانت در امانت:

خیانت در امانت به وسیله یکی از ۴ فعل مثبت ذیل تحقق می یابد:



استعمال نمودن

هرگونه استعمال ناروای مال مورد امانت در صورتی که با سوء نیت همراه باشد موجب تحقق جرم خیانت در امانت است. منظور از استعمال، مصرف کردن یا مورد استفاده قرار دادن مال مورد امانت می باشد مثل راندن خودروی مالک، توسط امین به قصد ضرر زدن به مالک. به عبارت دیگر استعمال در این ماده عبارت است از استفاده قراردادن مال مورد امانت یا مصرف کردن آن به ضرر مالک یا متصرف قانونی مال. و دکتر میرمحمد صادقی چنین مینویسد: استعمال با بقای عین نیز ممکن بوده و ملازمه ای با از بین بردن عین ندارد مانند آنکه مرتکب فرش امانی سپرده شده را به زیر پا بیندازد و از آن استفاده نماید. استعمال به اموال فرو نمی کاهد، درباره نوشته ها نیز محقق می گردد، مانند آنکه امین چک تضمینی را به رغم انجام تعهد ضامن، در اختیار طرف مقابل بگذارد و به این شیوه، مرتکب خیانت در امانت گردد.

اتلاف نمودن

تلف کردن مورد امانت یعنی نابود کردن یا از بین بردن آن به هر وسیله ممکن از قبیل آتش زدن، شکستن، پاره کردن و... می باشد و اتلاف ممکن است به مباشرت شخص صورت گیرد و یا ممکن است که وی مسبب از بین رفتن آن شود بعلاوه اتلاف اعم است از کل مال، و اتلاف جزء مال، و اتلاف وصف. تلف کردن مال ممکن است بوسیله ترک فعل نیز صورت پذیرد مثل اینکه امین عمدا و از روی سوء نیت از دادن غذا به حیوان امانتی خودداری کرده و موجب تلف شدن آن گردد. و به نظر برخی دیگر از حقوقدانان چنانچه خیانت در امانت از طریق تلف مال مورد امانت صورت گیرد از مصادیق تخریب است لیکن مقنن چنین مواردی را از شمول مقررات راجع به تخریب خارج کرده و مضمول حکم خاص خیانت در امانت نموده است. با این حال چنانچه بواسطه احراز رابطه امانی مرتکب امین تلقی نشود. نمی توان مبادرت به صدور حکم برائت وی نمود بلکه باید به اتهام تخریب وی را محاکمه کرد.

مفقود نمودن

مفقود کردن یعنی از دسترس مالک خارج کردن مال با حفظ و بقای عین، مانند آنکه امین انگشتری مورد امانت را در چاه بیندازد. با این حال باید توجه داشت که با توجه به عمومی بودن ماهیت بزه خیانت در امانت احراز سوء نیت مرتکب در مفقود نمودن مال مورد امانت ضروری است حکم شماره ۱۸۲-۱۳۱۸/۲۷ شعبه ۲ دیوان عالی کشور مؤید این نظر است در این رأی مقرر شده صرف مفقود شدن مال نزد کسی که مال به او سپرده شده بدون احراز هیچ گونه سوء نیت موجب مسؤولیت جزایی نخواهد بود بدان معنا که تعدی و تفریط امین بدون داشتن سوء نیت، خیانت در امانت محسوب نمی گردد. بنابراین تعدی یا تفریط بدون سوء نیت صرفا مسؤولیت مدنی به بار خواهد داشت نه مسؤولیت کیفری.

تصاحب نمودن

مقصود از تصاحب در این ماده تصرف به عنوان مالکیت است به این معنی که امین مبادرت به همان تصرفاتی در مال امانی می نماید که مالک می تواند مبادرت به آن نماید. مثل فروختن یا به رهن گذاشتن یا از استرداد آن خودداری نماید. تصاحب مال مورد امانت می تواند از افعال یا ترک فعلهای مختلفی از قبیل فروختن یا گرو گذاشتن یا عدم استرداد و یا به مصرف معینی نرسانیدن مال موضوع امانت استنباط گردد. بنابراین دیوان عالی کشور در یکی از آراء خود به شماره ۱۳۱۶/۲/۲۶/۹۵۶۱/۳۸۴ اشعار میدارد (اگر کسی مالی را از دیگری بگیرد که پس از رفع احتیاج رد کند گرو گذاشتن آن پیش دیگری خیانت در امانت محسوب و عمل از مصادیق ماده ۲۴۲ قانون تعزیرات عمومی است.) از سوی دیگر اگر این گونه افعال یا ترک فعل ها کاشف از تصاحب مال مورد امانت نباشد خیانت در امانت محقق نمی گردد مثل آن کسی که در نتیجه فراموشی یا اشتباه و یا به موجب حکم دادگاه از استرداد مال امانی خودداری کند دیوان عالی کشور در یکی از آراء خود بر این نکته تاکید ورزیده و اظهار داشته: (برای تحقق بزه موضوع ماده ۲۴۲ قانون کیفر عمومی فقط کافی نیست که خودداری متهم از رد مال امانتی ثابت گردد بلکه الزم است تصاحب یا تصرف امانت دار بر ضرر مالک، که اصول باید مقرون به سوء نیت هم باشد، احراز گردد و بدون ثبوت این معنا که برعهده تعقیب کننده است، عمل موجب مسئولیت کیفری نخواهد شد.)

و کمیسیون مشورتی آئین دادرسی کیفری در اداره حقوقی قوه قضائیه در یکی از نظریه های ابرازی فروش مال مورد امانت از طرف امین و تصرف او در قیمت آن را نیز مصداق جرم خیانت در امانت دانسته است حکم شماره ۲۵۷۸ هیئت عمومی دیوان مقرر می دارد. (اگر جنسی به امین داده شود تا بفروشد و قیمت آن را به مالک جنس رد کند و امین پس از فروش در قیمت آن تصرف نماید چون در حقیقت قیمت آن جنس ضمن خود آن جنس در نزد او امانت قرار داده شده بود بنابراین تصاحب قیمت پس از فروش جرم است.) و همچنین ذکر این نکته ضروری است که مالک مال باید قبال مطالبه مال خود را از امین بنماید تا در صورت عدم استرداد بتواند جرم خیانت در امانت را به خائن نسبت دهد. حکم شماره ۱۸۰۲ شعبه ۲ دیوان عالی کشور اشعار می دارد. (تاریخ مطالبه قبلی مالک و انکار متهم (امین) کاشف از تصاحب مال موضوع امانت است.) و همچنین در تصاحب مال باید قصد مرتکب (سوء نیت) نیز احراز گردد طبق شماره ۲۲۸ هیئت عمومی؛ پس در صورتی که امین برخلاف آنچه صاحب مال مقرون داشته است تصرفی نماید فقط ضامن است.

بند دوم: شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم

| شرایط لازم جهت تحقق جرم خیانت در امانت | |
|--|---|
| ۱ | موضوع جرم باید عین مال یا وسیله تحصیل مال باشد |
| ۲ | سپرده شدن مال به امین به یکی از طرق قانونی با شرط استرداد یا به مصرف معین رسانیدن |
| ۳ | تعلق مال به غیر |

۱- موضوع جرم باید عین مال یا وسیله تحصیل مال باشد؛

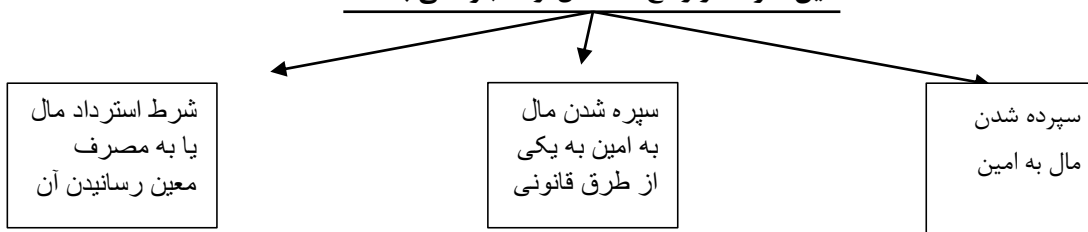
موضوع جرم خیانت در امانت مال می باشد که اعم از اشیاء و حیوانات است؛ مانند تصاحب گربه خانگی مالک توسط امین یا تصاحب اسب گران قیمت مالک توسط امین و جایگزین کردن آن با یک اسب معلول و ارزان قیمت.

وقوع خیانت در امانت نسبت به مواردی که در نگاه شرع و یا از نظر عرف مالیت ندارد قابل تصور نخواهد بود به طور مثال مال قاچاق به لحاظ عرفی و شرعی مالیت داشته و متعلق به قاچاقچی است اگر امانت داده شود و امین آن را تصاحب کند مجرم شناخته می شود، صرف نداشتن مالیت شرعی، موجب زوال وصف مالیت عرفی نیست.

اگر مال امانی ناشی از جرم باشد، امکان تحقق خیانت در امانت منتفی خواهد بود زیرا حتی اگر مالیت عرفی هم داشته باشد مالیت یا تصرف در آن قانونی نمی باشد مثلاً آقای (الف) طلاهای مسروقه را جهت نگهداری چند روزه به آقای (ب) می سپرد، حال چنانچه آقای (ب) اقدام به فروختن این طلاها نماید، بدیهی است، جرم خیانت در امانت تحقق نیافته است، چون آقای (الف) مالک یا متصرف قانونی طلاها نبوده است.

۲- سپرده شدن مال به امین به یکی از طرق قانونی با شرط استرداد یا به مصرف معین رسانیدن آن

این شرط در واقع متشکل از ۳ جزء می باشد:



6

۲-۱- سپرده شدن مال به امین: برای اینکه عمل ارتكابی مشمول جرم خیانت در امانت گردد، مال باید به وسیله مالک یا متصرف قانونی به امین سپرده شود، در غیر این صورت اگر شخص، خود، مالی را به دست آورد، مرتکب خیانت در امانت نشده است، بلکه حسب مورد ممکن است عمل ارتكابی کلاهبرداری یا سرقت باشد؛ به عبارت دیگر تحقق جرم خیانت در امانت فرع بر سپرده شدن مال به امین است، پس اگر امین فوت کرد و ورثه او مال سپرده شده به امین را تصاحب یا تلف یا مفقود یا استعمال کنند، مرتکب جرم خیانت در امانت نشده اند، چرا که مال به آنها سپرده نشده بوده است. برعکس ارتکاب رفتار خائنانه توسط امین حتی پس از فوت مودع یا پس از فروختن مال توسط سپارنده اصلی به دیگری هر چند که به ضرر ورثه یا مالک جدید تمام میشود، خیانت در امانت محسوب خواهد شد، چرا که عنصر اساسی سپردن موجود بوده است. در موارد امانت قهری یا قانونی یعنی موارد که مقنن شخصی را نسبت به مالی، امین فرض کرده، بدون آنکه عملاً عنصر دادن به شرط استرداد یا مصرف معین وجود داشته باشد جزء در موارد مصرع، خیانت در امانت محسوب نمی شود. در این زمینه، آراء متعددی از دیوان عالی کشور صادر شده است که در ذیل به چند نمونه از آنها اشاره میکنیم.

- رأی شماره ۱۴۵۱ مورخ ۱۳۱۷/۶/۳۰ شعبه ۵: (تصرف در مال گمشده، خیانت در امانت نیست، زیرا مالی به متهم سپرده نشده است)

- رأی شماره ۸۴ مورخ ۱۳۲۳/۶/۲۳ شعبه ۲: (اگر کسی اشیایی نزد یک نفر به امانت گذارد و یک نفر دیگر اشیاء مزبور را به دستور امانتدار بفروشد یا رهن گذارد، در صورت علم این شخص به امانت بودن اشیاء موضوع بحث، مشارالیه معاونت در بزه خیانت در امانت



قانون کیفر عمومی سپرده شدن مال به کرده است و نمیتوان او را مرتکب اصلی دانست، زیرا که شرط تحقق بزه موضوع ماده ۲۴۲ کسی است که به ضرر مالک به یکی از طرق مذکور در آن ماده تصرف نماید)

- رأی شماره ۱۴۰۸ مورخ ۱۳۲۴/۸/۲۶ شعبه ۲ (اگر نحوه اتهام مردی این باشد که مشارالیه اشیاء متعلق به شاکیه را که به عنوان جهیزیه به خانه خود برده و پس از تفرقه که بین آنها حاصل شده از او مطالبه کرده و متهم آن اشیاء را منکر گردیده است، صرف این عمل دارای جنبه کیفری و قابل انطباق با ماده ۲۴۲ قانون کیفر عمومی نخواهد بود، بلکه برای انطباق عمل با آن ماده الزم است سپرده شدن مال موضوع دعوی به متهم به نحوی که قابل تطبیق با یکی از عناوین مذکور در ماده مزبور باشد، محرز گردد)

۲-۲- سپرده شدن مال به امین به یکی از طرق قانون:

منظور اینکه، مال یا باید توسط مالک یا توسط متصرف قانونی به امین سپرده شود، پس اگر مال مسروقه توسط سارق به شخصی سپرده شود و امین به جای استرداد آن، مال را به مالک یا مقامات صالحیتدار بدهد، نه تنها عمل ارتكابی خیانت در امانت نیست، بلکه به وظیفه قانونی خود عمل کرده است، لازم به ذکر است که حتی اگر امین شخصاً مال مسروقه را تصاحب کند باز عمل ارتكابی او خیانت در امانت نیست؛ اما حسب مورد شخصی که مال مسروقه را به امانت نگهداری میکند ممکن است تحت عنوان اخفای مال مسروقه تعقیب گردد و این در صورتی است که وی اطلاع از مسروقه بودن مال داشته باشد. در همین زمینه شعبه ۲ دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۹۸۵ مورخ ۱۳۲۱/۷/۶ اظهار میدارد (اگر کسی مال مسروقه را امانت گیرد و آن را تصاحب یا تلف کند، عمل او مشمول این ماده نیست، زیرا این ماده ناظر به مواردی است که مال موضوع امانت را از طرف مالک یا متصرف آن به کسی سپرده شده باشد و مقصود از متصرف هم در این مورد کسی است که مال را به نحوی در تصرف داشته باشد که تصرف او قانوناً محترم شناخته شود و شامل موردی که امانتگذار آن را به طریق سرقت به دست آورده باشد، نیست)

۳-۲- شرط استرداد مال سپرده شده یا به مصرف معین رسانیدن آن:

استرداد و به مصرف معین رسانیدن، موضوع رابطه امانی هستند. در صورتی می توان گیرنده مال را به ارتكاب جرم خیانت در امانت محکوم کرد که وی موظف به مسترد کردن مال یا به مصرف معین رسانیدن آن باشد. در عقودی مثل قرض که در آن "تملیک عین در مقابل تعهد به رد مثل" صورت می گیرد ارتكاب جرم توسط قرض گیرنده قابل تصور نمی باشد، زیرا هر گونه تصرف وی در مالی که قرض کرده است تصرف در مال خودش می باشد.

۳- تعلق مال به غیر:

اگر امین مالک مالی باشد که به او سپرده شده است، تصاحب وی خیانت در امانت نیست. پس اگر مرتهن، عین مرهونه را برای مدت کوتاهی به راهن بسپارد تا مجدداً آن را از وی پس بگیرد و در این حالت راهن از استرداد مال مرهونه خودداری کند، عمل راهن خیانت در امانت نیست و همین طور در عقد بیع از آنجا که مشتری به محض وقوع عقد بیع، مالک مبیع می شود، بنابراین تصرف وی در مبیع قبل از پرداخت ثمن خیانت در امانت نخواهد بود و همین طور اگر امین نسبت به مال امانی ادعای حقی کند، رویه قضایی این استرداد نکردن را خیانت در امانت نمیداند؛ مثلاً شخصی یک تخته فرش را نزد شخص ثالثی به امانت بگذارد و امین هم برابر اسناد معتبر ادعای حقی را نسبت به صاحب مال داشته باشد و برای وصول طلبش، فرش را به صاحب آن مسترد نکند، عمل وی

خیانت در امانت نیست. از نظر عده ای از حقوقدانان چون هر جزء از مال مشاع متعلق به تمامی شرکاست، بنابراین نمیتوان مال مشاعی را به مفهوم واقعی کلمه (مال غیر) دانست. نتیجه اینکه ارتکاب جرایم علیه اموال توسط یکی از شرکا، در مال مشترک متصور نیست. دیوان عالی کشور در یکی از آراء خود به شماره ۱۸۴۹ مورخ ۱۳۲۵/۱۰/۱۸ به همین مسئله پرداخته است: با احراز شریک بودن متهم در مال موضوع تصرف غیر قانونی، عمل ارتكابی او مشمول ماده ۲۴۲ قانون کیفر عمومی یا سایر مواد کیفری نخواهد بود.

بند سوم: نتیجه حاصله از رفتار متهم

در این جرم که از جرایم مقید است، رفتار مرتکب باید منتهی به نتیجه خاص شود که همان ورود ضرر به مالک یا متصرف است. اعم از اینکه نفعی عاید شخص خائن بشود یا نشود؛ به عبارت دیگر تحقق ضرر مجنی علیه در جرم خیانت در امانت ملازمه ای با نفع خائن ندارد. مقصود از شرط ورود ضرر به مالک یا متصرف صرفاً به این معنی نیست که از دیدگاه بازاری و عرفی ضرر متوجه وی شود، پس کسی که قطعه ای جواهر گران قیمت و بیمه شده شخصی را که به او سپرده شده است، تلف کند، در صورت وجود شرایط دیگر، خائن در امانت محسوب میشود؛ همین طور کسی که مالی را از شخص خیری دریافت میکند تا آن را به یک مؤسسه خیریه برساند، در صورت تصاحب مال، خائن در امانت محسوب میشود. درست است که ضرری به شخص خیر نرسیده است، ولی همین سلب حق تصمیم گیری او در مالش موجب خدشه دار شدن حق مالکیت وی و خود نشان دهنده ورود ضرر به اوست. مطلب آخر اینکه، صرف ورود ضرر به مالک مال موجب تحقق جرم خیانت در امانت توسط امین خواهد شد. هر چند که ضرری به شخصی که مال را به امین سپرده است وارد نشده باشد.

گفتار سوم: عنصر روانی جرم خیانت در امانت

تحقق جرم خیانت در امانت نیز مثل جرم کلاهبرداری و برخلاف جرائم مادی صرف، نیاز به وجود عنصر روانی به طور همزمان با عنصر مادی دارد.

عنصر روانی جرم خیانت در امانت، مانند عنصر روانی کلاهبرداری از دو بخش سوء نیت عام و سوء نیت خاص تشکیل می

شود



اگر امین عمداً ولی به قصد منتفع کردن مالک یا متصرف مال، مرتکب عمل فیزیکی جرم خیانت در امانت شده باشد وی را نمی توان به ارتکاب این جرم محکوم کرد مثلاً امین برای جلوگیری از خراب شدن میوه هایی که دیگری نزد او سپرده ولی برای بازپس گرفتن آنها مراجعه نکرده است آنها را به فروش رسانیده یا مصرف کرده و قیمت آنها را برای مالک نگاه دارد (فقدان سوء نیت خاص).

در مواردی احتمال دارد ارتکاب عمل فیزیکی جرم خیانت در امانت از سوی امین نه به قصد اضرار مالک یا منتفع کردن او بلکه برای "احقاق حق امین" صورت گیرد به دلیل فقدان سوء نیت خیانت در امانت محسوب نمی شود. اداره حقوقی قوه قضائیه نیز طی نظریه مشورتی شماره ۱۳۷۰/۳/۴-۷/۱۵۳۰ در این زمینه اشعار داشته (مفقود شدن وسائل مسافر بدون سوء نیت از طرف بنگاه خیانت در امانت تلقی نمی شود ولی متصدی بنگاه مکلف به جبران آن است چنانچه مطالبه حق از ناحیه امین در دادگاه مدنی منجر به صدور حکم بی حقی وی گردد باز هم نمی توان وی را مرتکب بزه خیانت در امانت دانست زیرا قصد مرتکب از تصاحب و عدم استرداد اموال مورد امانت مطالبه حقوق خود بوده نه قصد اضرار به مالک).

مجازات های اصلی و تکمیلی و تبعی در جرم خیانت در امانت:

مجازات اصلی در جرم خیانت در امانت طبق ماده ۶۷۴ قانون تعزیرات ۳ ماه تا ۱ سال و ۶ ماه حبس درجه ۶ می باشد، باتوجه به این جرم شروع به جرم در خیانت در امانت قابل مجازات نیست. (زیرا شروع به جرم تا حبس تعزیری درجه ۵ می باشد درحالیکه خیانت در امانت حبس درجه ۶ می باشد) با این وجود معاونت در جرم خیانت در امانت قابل مجازات بوده و مجازات آن حبس تعزیری درجه ۷ و ۸ خواهد بود.

- مجازات تکمیلی در خیانت در امانت طبق ماده ۲۳ ق.م.ا قابل اعمال می باشد.

- مجازات تبعی در خیانت در امانت طبق ماده ۲۵ ق.م.ا قابل اعمال نمی باشد. (زیرا مجازات تبعی صرفا مشمول حبس تعزیری درجه ۱ تا ۵ می باشد در جالیکه جرم خیانت در امانت حبس تعزیری درجه ۶ می باشد).

بحث و نتیجه گیری:

با توجه به اینکه جرم خیانت در امانت یکی از جرایم رو به گسترش در جامعه می باشد و یکی از جرایمی است که به اعتقاد عمومی در جامعه ضربه مهلکی وارد می نماید، متأسفانه حقوقدانان محترم با دقت کمتری به این جرم پرداخته اند و کمتر به کنکاش و بررسی زوایای مختلف آن می پردازند که این خود یکی از این دلایل کمبود منافع معتبر و مرجع در این زمینه است.

ماهیت جرم خیانت در امانت: جرم خیانت در امانت از جرایم قابل گذشت می باشد رضایت مدعی خصوصی یا استرداد شکایت، از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. مورد بعدی آنی بودن: به لحاظ تقسیم بندی جرایم با ملاحظه زمان وقوع و نوع رفتار مرتکب، خیانت در امانت جرم آنی است؛ زیرا اقداماتی که برای تحقق این جرم الزم است، اعم از اتلاف، تصاحب و... فاقد حالت استمرار بوده و در یک لحظه قابل انجام هستند. شعبه ۶ دیوان عالی کشور در رأی شماره ۲۰۴۳ مورخ ۱۳۲۱/۷/۱۸ در این مورد می گوید (بزه خیانت در امانت، بزه مستمر به شمار نمی رود؛ زیرا بزه مستمر در موردی صادق است که عمل ارتكابی در هر آن موجود بوده و ادامه داشته باشد و این عنوان در اتلاف و یا تصاحب مال غیر که به محض ارتکاب منتفی می گردد، صحیح نیست). هر چند در مورد استعمال، ممکن است شبهه استمرار مطرح شود ولیکن این شبهه چندان قوی نیست؛ زیرا به محض به کار بردن مال در غیر مورد توافق، جرم واقع شده است، هر چند بعد از آن، همچنان در آن هدف به کار برده شود. در خصوص شروع مرور زمان هم لحظه تصاحب یا تلف یا استعمال مورد عمل است که عبارت از لحظه اجرای عمل مجرمانه نسبت به مال امانی است. از آنجا که خیانت در امانت مبتنی بر



اعتماد و اطمینان است، بزه دیده از تاریخ واقعی فعل مجرمانه مطلع نمی شود، بلکه تاریخ اثبات و احراز آن مبدأ مرور زمان می تواند باشد.

منابع:

- حبیب زاده، محمد جعفر، کلاهبرداری و خیانت در امانت، مدرسه انتشارات دادگستر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹، ۳۹۶-۳۹۷.
- میرمحمد صادقی، حسین، ۱۳۹۹، جرایم علیه اموال و مالکیت، میزان.
- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۹۸، حقوق جزای اختصاصی، دانشگاه تهران، چاپ یازدهم.
- بازگیر، یدالله، ۱۳۷۶، سرقت، جعل و خیانت در امانت در آراء دیوان عالی کشور، تهران: نشر حقوقدان.
- ستاری، بهزاد، ۱۳۶۳، حقوق جزای اختصاصی، انتشارات ارشد، چاپ دوم، پاییز ۱۴۰۰.
- قانون مجازات اسلامی، مجلس شورای اسلامی و تائید شورای نگهبان، ۱.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۷۰ ه.ش، ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش.
- شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۷۷، حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اموال و مالکیت)، ژوبین.